

آقای دکتر یحیی مروستی از نویسندگان اجتماعی جامعه ما میباشد که بمناسبت تحصیلات و تجربیات قضائی زیادی که دارند از صاحب نظران روشن بین و روشنفکری میباشد که علاقه زیادی به اصلاح عدالت اجتماعی جامعه ما دارند. توجه خوانندگان محترم را به این سلسله مقالات ایشان جلب مینمائیم. قسمت اول این مقاله در شماره ۱۰ مجله بچاپ رسیده و اکنون بقیه آن باطلاع خوانندگان گرامی میرسد .
مجله مسائل ایران

مسئله داد گستری

۲

۳- کمبود قاضی و این یکی از مشکلاتی است که دائم داد گستری با آن دست بگریبان است. اولاً تربیت قاضی بسیار مشکل است و ثانیاً بودجه نیست ثالثاً داد گستری آنقدرها مورد عنایت و محبت نیست تا بتواند با ازدیاد قدرتش نفع بگیرد . برای مثال من میتوانم آمار حدوداً دقیق در این مورد بشما بدهم تا ملاحظه فرمائید که چگونه ما دچار کمبود قاضی و تورم پرونده هستیم .

بسال ۱۳۳۲ که گویا جمعیت ایران پانزده میلیون بوده است ما ۹۵۰ قاضی داشته ایم که از ۳۱۶۰۰۰ پرونده وارده ۳۰۱۳۶۸ پرونده را مختومه کرده اند. ولی در سال ۱۳۴۴ ما فقط ۱۴۹۱ قاضی داشته ایم و جمعیت ایران گویا ۲۵ میلیون نفر آدم بوده است و این ۱۴۹۱ قاضی از ۱/۳۱۱/۸۴۰ پرونده ۱/۲۷۷۲۱۹ پرونده را مختومه کرده اند . بدین طریق ملاحظه میفرمائید که چگونه فزونی دعاوی هرگز با فزونی جمعیت و خصوصاً فزونی قاضی متناسب نبوده است اگر کمی در این اعداد جمع و تفریق کنیم ملاحظه میشود که در حقیقت ۵۴۱ قاضی ۹۷۶۸۵۱ پرونده را مختومه کرده اند . در همین تهران که فقط چهل باز پرس وجود دارد در سال ۴۴ بیش از ۱۳۳۶۷۳ نفر را که مرتکب جرم شده بوده اند مورد تعقیب قرار داده اند مافقط دو نفر دادیار مأمور تصرف عدوانی دادیم و تصرف عدوانی چیز است که باید خیلی سریع

رسیدگی شود تا حقی از کسی تفویض نشود ولی با ۸۴۷ فقره شکایت تصرف عدوانی در سال دو دادیار تصرف عدوانی چه میتوانند بکنند. اینها مشکلاتی است که دادگستری با آن دست بگریبان است و مردم از آن خبر ندارند. اگر دولت بخاطر مردم و عدالت بودجه کافی در اختیار دادگستری میگذاشت و دادگستری میتواند تشکیلاتش را گسترش دهد امروز در همه دهات میشد يك دادگاه بخش داشت ولی چه میشود کرد قوه مجریه از قوه قضائیه خوش نمي آید. و همین عدم جهت مشکلات را چند چندان کرده است.

با اینهمه من راه حلی دارم که دادگستری را با همه بی‌مهری‌هایی که با اومیشود و حتی وزرای دادگستری هم در این بی‌مهری‌ها دست دارند از این وضع نجات دهد بعبارت دیگر مردم نجات یابند و از عدالت بیشتری برخوردار گردند.

راه حل - پیشنهادهای من برای راه حل در قسمتی جنبه عام دارد و در قسمتی دیگر جنبه خاص خود دادگستری را واجد است.

اولا - جامعه‌شناسان و روانشناسان باید جمع شوند و مطالعه کنند و به بینند چرا در جامعه ما تا اینجند مردم بجان هم افتاده‌اند و اینطور مرتکب جرم میشوند شوخی نیست در يك سال بیش از يك میلیون جرم برای جامعه‌ای که هنوز دادگستری در دسترس همه نیست و همه ظلم دیده‌ها نمی‌توانند بداد گستری مراجعه کنند.

وحشت آواراست خصوصاً که در ظرف ۱۲ سال این ازدیاد قوس صعودی سرسام آوری را طی کرده است سال ۱۳۳۲ فقط سیصد و شانزده هزار پرونده و سال ۱۳۴۵ يك میلیون و چهارصد و پنجاه هزار پرونده بداد گستری آمده است این جامعه به چه بیماری دچار شده است؟ دارد بکجا میرود؟ و علت اینهمه بجان هم افتادن چیست؟ ما اگر مثل آمریکا صنعتی بودیم چه میشد؟ بنا بر این اول این بعهده متخصصین فنی است که بررسی کنند و علل ازدیاد دعاوی را در یابند و سپس پیشنهاد اصلاحی بدهند.

ثانیا - زندانهای ما وضع ناهنجاری دارند و نه تنها مجرمین را تأدیب و اصلاح نمی‌کنند بلکه آنها را فاسد تر هم میکنند لذا باید زندانها مورد توجه اساس قرار گیرد تا محکومین حرفه‌ای نشوند و پس از آزادی در پی کسب و کار

بروند. بهمین منظور هرگز مشاهدات روانی را برای زندانها پیشنهاد میکنم البته مشروط بر آنکه زندانها در اختیار دادگستری قرار گیرد.

ثالثاً - در داخله دادگستری نیز اصلاحاتی باید بعمل آید از آنجمله که شورا عالی تشکیل شود و صلاحیت و اختیارات وزیر، دادگاه انتظامی و اختیارات دیگری که قانون تعیین خواهد کرد دارا باشد.

این شورا باید مرکب از قضات انتخابی از طرف عموم قضات و قضات انتصابی بموجب شغلشان باشد و اگر شاهنشاه نیز منت بر قضات گذارند و ریاست عالی آنرا بپذیرند بزرگترین عنایت را بدادگستری فرموده اند. این شورا بخوبی میتواند قضات را کنترل کند و در صورت لزوم آنها را منفصل نماید.

دیگر وزیر، مختار مطلق نیست و بدین ترتیب استقلال فردی قضات رعایت خواهد شد یکی از معضلات همین عدم استقلال قضات است اگر حقوق و اضافه کار و غیره در دست وزیر نباشد و بعهده شورا قرار گیرد، اگر رتبه و ترقی مقام درید وزیر نباشد و از وظایف شورا باشد و اگر... مسلماً قضات بهتر و امیدوارتر میتوانند کار بکنند من مطمئنم که این پیشنهاد بسود انقلاب و مملکت است و امیدوارم مقامات ذیصلاحیت که مسلماً واجد حسن نیت هستند آنرا بپذیرند و امر به تصویب فرمایند.

آئین دادرسی برای امور کم اهمیت نباید مثل يك قتل یا جنایتی دیگر باشد، حذف تشریفات بسیار ضروریست من و چهار نفر دیگر در زمان وزیر سابق بنا بقتضای اومدت چندین ماه مطالعه کردیم و لایحه ای نسبتاً جامع برای حذف این تشریفات تهیه کردیم که فعلاً در بوته اجمال است. اگر این لایحه قانون بشود و بعمل در آید گرچه ایده آل نیست ولی خیلی از مشکلات آئین دادرسی راحل میکند.

تشکیلات دادگستری را نیز باید بنحو دقیق و عمیق و حساب شده گسترش داد. با تشکیلات فعلی هر کار بشود با مردم بعلت بعد مسافتها نمیتوانند آنطور که باید از عدالت بهره مند شوند. و راجعاً میخواهم پیشنهادی بدهم کمی مخالف نظم موجود امیدوارم که زمزمه پیا نکند. شما خوب میدانید که اگر کارهای مردم بدست خود مردم سپرده شود محاسن بیشماری دارد از جمله آنکه بآنچه که

خود میکنند بیشتر معتقدند تا آنچه که دولت میکند خصوصاً دولتهای ما که مردم آنرا از خود نمی‌دانند و معتقد نیستند که خدمتگذار آنهاست و انگهی محصول کار خودشان اگر بد شده نمی‌توانند بدیگری نسبت دهند و خودشان بعداً با حوصله کارشان را ترمیم میکنند. لابد با این مقدمات دریافتید چه میخواهم عرض کنم. بلی قاضی را خودشان از بین قضات واجد صلاحیت انتخاب کنند اگر بد بود خودشان کرده‌اند و اگر خوب بود باز خودشان کرده‌اند.

اگر این پیشنهاد مورد توجه قرار گیرد انقلاب عمیق و بزرگی در وضع دادگستری و عدالت مملکتی بوجود آمده است.

قبول میکنم که این پیشنهاد باید مطالعه و پخته شود و امکانات مملکت در نظر گرفته شود و بعد تصمیم قطعی اتخاذ گردد. از اینکه به سخنان من با دقت وافر گوش فرادادید کمال تشکر را دارم و حال آماده‌ام که هر سؤال یا مشکلی که بنظر شما میرسد طرح فرمائید تا جواب داده شود.

در این موقع سئوالات مطرح شد که در موقع خود به چاپ آن و جوابهایی که داده شده است مبادرت خواهد گردید.

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی